

### متن پرسش

سلام و عرض احترام استاد بزرگوار: در پاسخ سوال ۳۶۶۹۴ در بحثی که سعی شد بین شما و یکی از اساتیدمون تبادل نظری شکل بگیره (امید داشتیم مفید باشه) نظر خودم رو بگم اگر موردی بود اصلاح بفرمایید در ضمن سوالی هم داشتم ۱. اینکه بنظرم رسید اون استادمون حساسیت روی کلمه ذات نداشت ولی روی کلمه وجود حساسیت داشت و شما با جایگزینی کلمه هستی سعی کردین به این نکته تذکر بدین ۲. بیانتون بسیار عالی بود من که از پیام آخر لذت بردم و برای من این نکته روشن نبود و ما در نسبت با هستی خود که عین ربط به هستی مطلق است می‌توانیم با وجود مطلق ربطی حضوری داشته باشیم و این غیر از وجود مفهومی است. ارتباط حضوری که شما از آن سخن گفتین، واقعیت اینه ما همیشه اون درک و حضور رو نداریم نوبتی شاهد افکار شیطانی و وسوسه در خودمان هستیم، نوبتی شاهد تعالی و میل به سوی خدا وقتی دقت می‌کنیم می‌بینیم هیچکدومش ما نیستیم، اولیه یه شیطان که اومده خودش رو بجای ما جا بزنه، دومی یه فرشته است، وقتی تعالی پیدا می‌کنیم، فرشته ای دیگه و اگر اون فرشته بره ما اون حضور رو نداریم (این که ما بالاخره چی هستیم رو من موندم) تو به هر صورت که آئی بایستی / کاین منم والله آن تو نیستی. سوال این بود شما فرمودین حضور ولی حضوری در کار نیست، یه فرشته باید بیاد تا حضوری درک کنیم، بره حضوره هم رفته، خب الان بیان شما با این اوصاف چی میشه. می‌توانیم با وجود مطلق ربطی حضوری داشته باشیم با این اوصاف سوال من این است: ربط حضوری یعنی چه؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به این فکر کنید که در هر حال، ما می‌توانیم متوجه هستی خود به صورت حضوری باشیم و این است آن دریچه‌ای که افقِ نظر به وجود مطلق را در مقابل ما می‌گشاید و جایگاه اخلاق و شریعت را که عوامل دفع موانع برای آن توجه است، معلوم میکند. موفق باشید